پیکار پامیر

۹ دسمبر ۲۰۱۴

اشرف غنی، افغانستان و جهان

گهگاهی، گردشِ اوضـاع و رویداد های شـبا روزی در جغرافیای خاصـی بنام (افغانسـتان)، وادارمان میسـازد چنین استنباط کنیم که گویا چرخِ زمان در این خطهٔ نفرین شده، بگونهٔ معکوس میچرخد و یا این، همان خطه یی است که بادِ خوشبختی هرگز نمی خوا هد در فضای دلگرفتهٔ آن جولانی داشته باشد.

ویا گاهی این طرزِ تفکردرمخیلهٔ باشـــنده گانِ افغانســـتان خطور میکند که گویی دســـتِ تقدیر، نخواســـته قلمِ مِهربرجبینِ هستی این باشنده های نالان و منتظر کشدَ و یا خورشیدِ آرامش درنظر نه دارد بر روی خطه و این مردم لبخندِ مهرانگیز زند. به همین دلیل، گاهی هم این سرودهٔ شاعر، وردِ زبانها میشود که گفت:

از هر طرف که رفتم، جز وحشتم نیفزود زینهار ازاین بیابان، وین راهِ بی نهایت

بلی! مردمِ خسته جانِ افغانستان، خواستند یک رهبرِغفلت زده و سازشکارو فساد پیشه ، پس ازیکنیم دهه کروفرِ منفی و نمایشـی، ازصـحنه برود و بجایش یک رهبر خردمند، عادل، فهیم و قاطع بنشـیند تا خلقِ خدای، درسـاحتِ کارکرد های مثبتِ چنین یک رهبرجدید، چند صباح نفسی با اطمینان برکشند. روی همین آرزومندیها بود که با دلهای مملو از امید، درتحتِ بدترین شـرایطِ محیطی و امنیتی، بخاطرِ نثارِ رأی شـان برای نامزد های مورد نظر، صـف کشـیدند و سختی ها را تحمل کردند و آنگه که پس از بگو مگو های تند و دراز مدت میان کرسی طلبان و ریاست جویان، یک دولتِ ســـهامی به میان آمد و نام آنرا " دولت وحدت ملی " گذاشـــتند، بازهم آنرا فال نیک گرفتند و دعا ها کردند که وپنداشتند که دیگر، نور امید در تلالو در آمده است.

با دریغ، هنوز دیری سـپری نشـده بود که بازهم سـنگِ ندامت و نا امیدی به سـینه های شـان اصـابت کرد و دیدند که آرزوهای گمشدهٔ شان، مثلیکه به آسانی تمکین نمیکند. اشرف غنی را گفتند " مغز متفکر" است و قبضهٔ تدبیر و تعقل در کف دارد وعدهٔ دیگر هم به جهادی بودن و مدّبر بودنِ آقای عبدالله دل بسـتند و اندیشـیدند که چون از " یک دسـت صدا بر نمی آید "، بهتر آنکه دودست بهم شود تا از آن صدا ی مناسب بگوشها رسد و ...

مگرحیف و هزار حیف که وقتی ملتی را بصـورت دوامداربکوبند و با هزار نوع حیلت و ظلم و تعدی، توش و توانش را به تحلیل بَرند، عاقبت، چنان در مانده میشـود که نا گزیر، در حالاتِ سـرنوشـت سـاز و بخاطر نجاتِ جان، به هر خس و خاشاک دست می اندازد و امید سلامتی میکند.

آقای اشرف غنی، با آنکه میخواست برای ملت افغانستان نشان دهد که بسیار متواضع، سخت کوش، عادل، بازخواست کننده و با تدبیر اسـت، ولی ملت هم بسـیار زود فهمیدند که نه آنچنان اسـت که او ادعایش را دارد. نخسـتین حرکتِ به اصطلاح بازخواست کنندهٔ آقای رییس جمهور، همانا بازگشایی پروندهٔ مربوط به چپاول کابل بانک بود، ولی به روشنی دیده شـد که چپاولگرانِ اصـلی و شـناخته شـده حتا حضـورِ خودشـان در تالارمحاکمه را کسـر شـأن خویش پنداشـتند، چپاولگرانِ گریزی نیز از مکانهای امن دربیرون ازمرزها، به درون کشانیده نشدند وعاملانِ دیگری از این تاراجگرانِ دارایی عامه، هنوزهم به مدارج بلند تر رسمی ارتقا فرمودند.

دو سلطان در یک اقلیم که باساس تبانی روی تقسیم قدرت براورنگ حاکمیت نشستند، چنان دردرونِ ارگ و در عقبِ در های بسته سرگرم چانه زدن های سیاسی شدند که اینک، پوره دو ماه ازتاج پوشی شان میگذرد، ولی نه آنکه هنوز

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

نتوانســـته اند وزرای خویش را بر گزُینند و برای مردم معرفی نمایند، تازه، چهارهفتهٔ دیگر را نیز در انتظار بســـر بایدُبرد.

ســلاطینِ دو گانهٔ مملکت نه تنها که نخواســتند و یا نتوانســتند تاهنوز از نیرو های تروریســتی وانفجاری، یک تعریف منطقی مبارزه جویانه بیرون دهند، بلکه این نیرو های آدمکُش و جنون زده را با ســـرخ آبِ " مخالفان ســـیاســـی " نیزآراستند و ازبرکتِ تاج پوشی و آرایشگری دو سلطانِ " عدالت گستر" (؟) بود که دامنهٔ خونبارِ عملیاتِ تروریستی گسترشِ بیشتر یافت و جانهای بیشتری را بلعید.

به سلسلهٔ مسافرتهای دیپلوماتیکِ آقای رییس جمهورهم، بخصوص وقتی نزدِ دشمانِ دیرینهٔ مُلک وملت ما (دولتمردان پاکستانی) شتافت، نه تنها اندکترین ابتکارقابل توجه از خویشتن ِخویش به نمایش نگذاشت، بلکه ضعف، انفعال، کرنش و شرمساری ملی را نیز مرتکب شد، آنچنانکه نظیرِ چنین شرمساری سیاسی – دیپلوماتیک، سابقه یی دردنیای مملکت داری نداشت.

علاوه از آنها، این موضـوع هم به هر شـکلی که بود از انبانِ مخفی کاریهای آقای رییس جمهور ِجدید افغانسـتان بیرون پرید که وی ، پس از مالیدن ِ سرخآب ِ " مخالفان سیاسی " بر سر و روی تروریستهای مسلحِ طالبان، گویا داخلِ تماس و مذاکرهٔ پنهانی با قاتلان ِملت افغانستان نیزشده است.

افشـأ این موضـوع، در روزهای اخیر، موجباتِ تأثر عمیق و اعتراض های دقیقِ سـیاسـی مجموع ملت افغانسـتان، بخصـوص رسـانه های جمعی، جامعهٔ مدنی، زنان، روشـنفکران و افراد و گروه های وطنپرسـت و آزادیخواه را بار آورد.

هرگاه این موضـوع (ضـعف ومماشـات با طالبان و پاکسـتان) واقعیت داشـته باشـد، باید عوامل عمدهٔ آتی درتار و پود فکری وعملی رییس جمهورجدید تداخل مؤثر داشته باشد :

اول) نزدیکی های پشت ِ پردهٔ اشرف غنی با مقام های پاکستانی باساس روابط ِقبلی

دوم) تضـمین و تعهدِ اشـرف غنی با مقام های امریکایی قبل از رسـیدن به کرسـی ریاسـت جمهوری افغانسـتان مبنی بر مدارای سیاسی با گروه طالبان

سوم) فشـارهای مسـتقیم ومخفیانهٔ ایالات متحدهٔ امریکا بالای رییس جمهور مبنی براتخاذ سـیاسـتِ مماشـات با مقام های پاکستانی و رفع معضلهٔ خط " دیورند "

چهارم) فشـارهای درونی بالای اشـرف غنی، مثلاً پافشـاری و مشـوره دهی عناصـرِنزدیک به آی. اس . آی پاکسـتان درداخل ارگِ جمهوری به شمول تهدید های روانی از سوی پاکستانیها

پنجم) کشش ها و گرایشـات پشـتونیسـتی میان اشـرف غنی، گروه طالبان و پشـتون تباران ِ مربوط به شـبکهٔ اسـتخبارات نظامی پاکستان به شمول حزب اسلامی گلبدین

شـشـم) تضـمین و اطمینان دهی جانب ایالات متحدهٔ امریکا برای اشـرف غنی مبنی براسـتمرار میعادِ ریاسـت جمهوری وی تا ده سال آینده

تحلیلگران سـیاسـی میگویند اگرنکات و موضـوعاتِ گفته شـده در مورد اشـرف غنی و انفعال وی دربرابردولتمردان پاکسـتانی حقیقت نداشـته باشـد، پس او چرا مسـألهٔ مربوط به تماسـگیری با گروه طالبان را ازدیدِ ملتِ افغانسـتان پنهان نگهمیدارد و چرا آجندای کاری اش، آنهم در مهم ترین و حسـاس ترین بخشِ سـرنوشـتِ ملی بصـورت شـفاف بیان نمیدارد؟

حالا که دو پادشـاه از یک اقلیم (اشـرف غنی و داکترعبدالله) به کنفرانس لندن رفته اند تا مسـاعدتهای مالی و نظامی کشورهای ناتو را پس از سال جاری برای افغانستان مطالبه نمایند، مسلماً اعضای کنفرانس مذکورنیز شرایطی را در

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولئ

برابرِ آنها قرار خواهند داد تا پس از آن، وعدهٔ مساعدت های مالی دراز مدت به جانب دولت افغانستان بدهند که از آن جمله، میتوان به موضوعِ مبارزه با فساد اداری، حکومت داری خوب، رعایت حقوق بشر، شفافیت در مخارج بودجه وی، تضمینِ حقوق زنان و امثالهم را یاد کرد. پس، آیا رییس جمهور جدید خواهد توانست شرایطِ کنفرانسِ لندن را در افغانستان بجا آورد ویا مانند سلفِ خویش، کلیه تعهداتش را روی کاغذ خواهد گذاشت و به فریبکاری های سیاسی و تبلیغاتی ادامه خواهد داد ؟

(پایان)

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دليکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکي په ځير و لولئ